بیانات در دیدار جمعی از مدال‌آوران المپیادهای علمی - 26 /خرداد/ 1403

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)

اوّلاً خیلی خوش آمدید. واقعاً دیدار جوانهای برجسته و نخبه و آماده‌ی کار، برای هر انسانی شادی‌آور و خرسندکننده و امیدوارکننده است. بنده به جوانها خیلی اعتقاد دارم. خیلی‌ها هستند ــ من میفهمم و میبینم در صحبتهایی که با مسئولین در طول سالها داشته‌ایم ــ درست نمیتوانند درک کنند ارزش انگیزه‌های جوان و جوانی را ؛ اینها خیلی امیدی به جوانها ندارند. بنده خیلی امیدوارم به جوانها.

اوّلاً شماها یک ثروتید برای کشور ؛ مجموعه‌ی جوان، بخصوص جوان نخبه، واقعاً برای کشور یک ثروت است. و درست است که مدال اهمّیّت دارد ــ خب این مدالها ارزش دارد و هر کدام از اینها مایه‌ی افتخار است ــ امّا ارزش نخبه خیلی متفاوت با ارزش مدال است، ارزش نخبه خیلی بالاتر از این حرفها است.

شماها میتوانید یک فضای نامطلوب را تبدیل کنید به یک فضای صد درصد مطلوب. شما میتوانید تاریخ را عوض کنید ؛ تاریخ را میتوانید عوض کنید. متأسّفانه مطالعات تاریخی شماها کم است ؛ غالباً مطالعات تاریخی جوانها کم است. اگر تاریخ بخوانید، می‌بینید که تاریخ فرازونشیب‌هایی دارد و کشور ما که مرکز تحوّلات گوناگون تاریخی است، یک جاهایی واقعاً بکلّی کأنّه از روی نقشه پاک شده ؛ یعنی وضع کشور این‌جوری بوده. بعد، شما می‌بینید که ناگهان ــ بعد از یک برهه‌ای ؛ حالا متفاوت [است] ــ همین موجودی که در واقع نیست شده بود، آن‌چنان شکوهی پیدا میکند، آن‌چنان عظمتی پیدا میکند که وقتی نگاه میکنید، می‌بینید عامل انسانی در اینجا مؤثر بوده. در «عامل انسانی»، مطلقاً نباید ذهن انسان برود به سیاست و سیاسیّون و حکام و زمامداران ؛ نه، آنها هم در یک مواردی تأثیر داشتند، تأثیراتشان بد نبوده ؛ عامل انسانی علمی، فکری، اخلاقی و معنوی [از جمله‌ی] این عوامل بوده و [کشور] با اینها اوج گرفته.

از دوره‌ای که استعمار در کشور ما وارد شد ــ البتّه ما رسماً مستعمره نشدیم، لکن در معنا استعمار بوده ؛ یعنی تسلّط حکومتها و فرهنگهای بیگانه وجود داشته در کشور ــ کشور رو به انحطاط و سقوط رفت ؛ یعنی مثلاً از سالهای ۱۸۰۰ میلادی که مأمور انگلیسی اوّل‌بار از هند وارد کشور شد و از بندرعبّاس یا بوشهر که وارد شد ــ حالا من درست یادم نیست ــ شروع کرد به افساد ؛ یعنی از همان اوّل ورودش، به آن حاکم شهر اوّل که رسید رشوه داد، آن را از خود کرد، بعد به کمک او به شهر دوّم رفت، به او رشوه داد، تا رسید به تهران که به شاه رشوه داد، به شاهزاده‌ها رشوه داد! زمان فتحعلی‌شاه ؛ یعنی بتدریج اینها مسلّط شدند، فرهنگ ما را بردند، از رشد علمی ما را محروم کردند، از لحاظ فهم سیاسی و انگیزه‌ی سیاسی ما را در مراحل خیلی پایین و پست نگه داشتند، تا انقلاب شد.

انقلاب درست به عکس آن مسیر حرکت کرد ؛ انقلاب در کشور جهش ایجاد کرد. جهشهای انقلاب جهشهای واضح و روشنی است ؛ شما در زمینه‌ی سیاسی این جهش را می‌بینید، در زمینه‌ی علمی می‌بینید، در زمینه‌ی فنّاوری می‌بینید، در زمینه‌ی اخلاق اجتماعی این جهش را می‌بینید ؛ در همه‌ی این جهات، انقلاب جهش ایجاد کرد. انقلاب را چه کسی به وجود آورد؟ نیروی انسانی، عمدتاً هم جوان ؛ یعنی نقش نیروی انسانی این است. و هر چه این جوان بیشتر اهل فکر و اهل تصمیم و عزم راسخ باشد، این تأثیر عمیق‌تر و بیشتر خواهد شد. شما در دعای کمیل میخوانید: قَوِّ عَلیٰ خِدمَتِکَ جَوَارِحی ؛ اوّلش این است. خب جوان جوارح محکم‌تری دارد دیگر. وَ اشدُد عَلَی العَزیمَةِ جَوانِحی ؛ (۲) دل من را با قدرت تصمیم‌گیری محکم کن. قدرت تصمیم‌گیری در جوان بیشتر است. تا آخر ؛ حالا

دیگر نمیخواهم دعای کمیل را برایتان معنا کنم. جوان این‌جوری است.

شماها میتوانید کشور را تغییر بدهید، میتوانید در جهت خوب حرکت بدهید ؛ نگرانی‌هایی دارید، میتوانید در راه رفع این نگرانی‌ها واقعاً تلاش کنید. منتظر هم نمانید که یکی مثل من به شما بگوید برای رفع نگرانی‌ها چه کار کنید ؛ نه، فکر کنید دیگر ؛ فکر کنید، راه را پیدا کنید، اجتماع کنید، همکاری کنید، همفکری کنید و برای رفع موانع، راه پیدا کنید ؛ راه‌های فکری پیدا کنید، راه‌هایی که مناسب شما است پیدا کنید. به نظر من، شماها خیلی کار میتوانید انجام بدهید.

من دو نکته یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. یک نکته‌اش این است که نخبگی یک جریان است، یک مسیر است، یک نقطه‌ی ثابت نیست ؛ این نکته‌ای بود که یکی از دوستان هم اشاره کردند و من خیلی خوشم آمد. این‌طور نیست که بگوییم حالا که ما نخبه شده‌ایم، قضیّه دیگر تمام شد ؛ این شروع کار است، شروع یک جریان است. شما مدال‌آوری داشتید یا فرض بفرمایید که در کنکور مثلاً رتبه‌ی بالا داشتید ؛ این شروع یک جریان است، باید در این جریان پیش بروید. «پیشرفت در این جریان» به معنای چیست؟ به معنای حلاقیّت است ؛ حلاقیّت فکری آنجایی که کار فکری میکنید، حلاقیّت عملی آنجایی که کار عملی میکنید. در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فناوری، در زمینه‌ی گسترش اخلاقیّات و معنویّات باید کار کنید، تلاش کنید. یک مقدار عمده‌ای به عهده‌ی خودتان است، یک مقدار عمده‌ای هم به عهده‌ی مسئولین است ؛ یعنی وزارتهای ذی‌ربط تأثیر دارند، بنیاد نخبگان تأثیر دارد، دفاتر نمایندگی تأثیر دارد، مسئولان داخل خود دانشگاه ــ مسئولان گوناگون دانشگاه، مثل رئیس دانشگاه ــ تأثیر دارند ؛ نهادسازی باید بشود، جریان‌سازی باید به وجود بیاید. بالاخره به این توجّه کنید که نخبگی پایان کار نیست ؛ حالا که نخبه شدید، این شروع یک حرکت و یک جریان است.

یک نکته‌ی دیگری که به نظرم مهم است، این است که کشور ما از حدود سال ۱۳۸۰ یک حرکت علمی را، یک جهش علمی را شروع کرده. البتّه در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ هم کار علمی میشد، امّا از حدود سال ۱۳۸۰ یا یک خرده جلوتر ــ الان درست یادم نیست ــ به‌اصطلاح یک تحریک عمومی‌ای در محیط اساتید و در محیط دانشجوها انجام گرفت، یک حرکت علمی خوبی به وجود آمد ؛ به طوری که آمارهای جهانی نشان میداد که ما در سرعت پیشرفت علمی، چندین برابر متوسّط جهانی داریم پیشرفت میکنیم. البتّه من همان وقت هم بارها گفتم (۳) سرعت پیشرفت نکته‌ی بسیار خوبی است، نکته‌ی مهمّی است، امّا نکته‌ی اصلی نیست، برای خاطر اینکه خود پیشرفت باید اتّفاق بیفتد. ما چون عقب‌ماندگی داشته‌ایم، حالا [اگر] همین‌طور در پیشرفت سرعت داشته باشیم، تازه میرسیم به وسط راه، به جلو نمیرسیم ؛ ما باید به خطّ جلو و به خطّ مقدّم برسیم.این از سال ۸۰ شروع شده، [امّا] این چند سال آخر دهه‌ی ۹۰ یک مقداری افت پیدا کردیم. اینجا یک آماری به من دادند که من یادداشت کردم و این به نظر من مهم است ؛ یعنی جزئی است، امّا حکایت از یک مسئله‌ی مهم‌تری دارد. میگویند ما در سالهای ۹۷ تا ۱۴۰۰، در مسابقات جهانی یا المپیادهای جهانی، جمعاً ۲۶ مدال طلا داشتیم، در حالی که در ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، ۳۰ نشان طلا داریم ؛ یعنی در دو سال، بیشتر از آن چهار سال داریم. بنابراین، باز در این دو سه ساله یک حرکتی پیدا شده، منتها این حرکت کافی نیست ؛ احتیاج داریم به یک خیزش علمی. شماها در این زمینه میتوانید واقعاً کار کنید، میتوانید مؤثر باشید ؛ هم خودتان بیشتر تلاش علمی بکنید، هم محیط را آماده کنید. این هم یک مسئله.

و سیاست هم در این زمینه‌ها تأثیرگذار است ؛ یعنی همان‌طور که اشاره کردم، وقتی که سیاست انگلیس‌ها در کشور حاکم شد و غالب شد ــ که حدود دویست سال هم طول کشید ؛ تسلّط سیاست انگلیس‌ها در ایران نزدیک به دویست سال طول کشید که البتّه اواخر، آمریکایی‌ها آن را ادامه دادند ــ خیلی به ضرر کشور تمام شد. الان هم ما یک استقلال سیاسی‌ای خوشبختانه داریم ؛ یعنی ایران، جمهوری اسلامی، نسبت به مسائل کلّی دنیا دارای منطق و

دارای حرف و دارای جایگاه مشخّصی است. ما در قضیّه‌ی فلسطین حرف داریم، در قضایای آمریکا حرف داریم، در مسائل دنیا [مثل] مسئله‌ی نظم نوین جهانی حرف داریم، در قضایای دنیا حرف داریم ؛ یعنی حرفی داریم که شنیده میشود ؛ یعنی در دنیا می‌شنوند حرف ما را و روی آن حساب میکنند ؛ ممکن است خیلی‌ها قبول نکنند، امّا بالاخره روی این حرف حساب میکنند. این استقلال است ؛ این را نباید از دست بدهیم. حالا هر دولتی که سر کار می‌آید، یکی از مسائل مهمّش باید این باشد که این استقلال سیاسی را که خوشبختانه به وجود آمده، ما حفظ کنیم.

یکی از دوستان اشاره کردند به مسئله‌ی انتخابات ؛ (۴) خب انتخابات خیلی مهم است و در درجه‌ی اوّل هم مشارکت مهم است که شما باید ــ چه در محیط‌های دانشجویی، چه در محیط‌های کاری، چه در محیط‌های خانوادگی و مانند اینها ــ هر چه میتوانید تلاش کنید که مشارکت افزایش پیدا کند. بعد هم نگاه کنید ببینید چه کسی به ملاکهای انقلاب نزدیک‌تر است و توانایی کار در جهت ملاکهای انقلاب را دارد ؛ اینها را اگر ملاحظه کنید، شاید بتوانید مثلاً یک انتخاب خوبی داشته باشید. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال آنچه صلاح این کشور و صلاح این ملّت است، به‌آسانی و بی‌دغدغه پیش بیاورد.

من عرایضم را تمام میکنم ؛ به همه‌ی شماها مجدّداً خوشامد میگویم و باز هم به دوستانتان که نیامدند و ما محروم شدیم از زیارتشان، سلام میفرستم.

والسّلام‌علیکم‌ورحمةالله

(۱ در ابتدای این دیدار ــ که پس از اقامه‌ی نماز ظهر و عصر به امامت رهبر معظّم انقلاب اسلامی برگزار شد ــ هشت نفر از مدال‌آوران المپیادهای دانش‌آموزی و دانشجویی به بیان دیدگاه‌های خود درباره‌ی مسائل مختلف عرصه‌ی نخبگانی پرداختند.
۲) مصباح المتهجّد، ج ۲، ص ۸۴۹
(۳ از جمله بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فنّاوری (۱۳۹۴/۸/۲۰)
(۴ انتخابات چهاردهمین دوره‌ی ریاست جمهوری که در هشتم تیرماه سال جاری برگزار میشود.